

سنت آزمایش در منظومه هستی از منظر قرآن (فلسفه، تحوّل و رابطه با سایر سنت‌ها)

جواد سلیمانی*

چکیده

هر یک از سنن الهی حاکم بر تاریخ، براساس حکمت خاصی در نظام هستی قرار داده شده است و ارتباط حساب شده و هماهنگی با سایر سنن الهی حاکم بر تاریخ دارد، که تحقیق درباره آن بینش انسان را در باب تطوّرات جامعه و تاریخ عمق می‌بخشد. این مقاله با رویکرد نظری و با روش مطالعه اسنادی، و با هدف بررسی حکمت استقرار، فرآیند تطوّر و روابط سنت آزمایش - یکی از سنت‌های الهی حاکم بر تاریخ - با سایر قوانین الهی حاکم بر جامعه و تاریخ از منظر قرآن کریم تدوین یافته است. بررسی نوع ارتباط سنت مذکور با سنت‌هایی از قبیل تداول قدرت، تزئین نعمت‌های دنیوی، بعثت پیامبران، تنازع، وجود تفاوت‌ها، مسئولیت، امهال، مکر، استدراج و تقدیر رزق از نکات تازه این مقاله به شمار می‌رود. تدبیر در آیات و دیدگاه‌های مفسران قرآن، مهم‌ترین مددکار ما در این مقاله به شمار می‌آید.

کلیدواژه‌ها: قرآن، سنت‌های الهی، آزمایش، امتحان، روابط سنن الهی.

مقدمه

برخی دیگر مربوط به دنیاست. سنت‌های دنیوی نیز به دو دسته، مختص رفتارهای فردی و غیر آن (که شامل سنت‌های اجتماعی و فردی - اجتماعی می‌شود) تقسیم می‌شود. این نوشته تنها از قسم دوم از سنت‌های دنیوی، یعنی همان سنت‌های حاکم بر اجتماع و تاریخ بحث می‌کند. سنت‌های الهی حاکم بر جامعه و تاریخ نیز به دو قسم مطلق و مقید تقسیم می‌شوند.

سنت‌های الهی مطلق، برخلاف سنت‌های مقید، سنت‌هایی است که تحقق آنها بسته به نوع انتخاب و انگیزه‌های انسان‌ها نیست، بلکه خداوند در آغاز خلقت انسان‌ها این سنن را در نظام هستی مقرر فرموده است. به دلیل آنکه قرب به خدای متعال از اهداف خلقت انسان‌هاست که باید از طریق اعمال اختیاری خود به آن برسند، خداوند سنت‌های مطلق را برای تحقق این اهداف و نزدیک‌تر کردن انسان‌ها به آنها قرار داده که یکی از اصلی‌ترین آنها سنت آزمایش است.^(۶)

اگر در عالم سنتی به نام آزمایش وجود نداشت، زمینه انتخاب حق و باطل فراهم نمی‌آمد تا از این رهگذر، انسان‌هایی که راه حق را برمی‌گزینند و از خدا و اولیای او پیروی می‌کنند، به مقام قرب الهی یا کسب رضای الهی نایل آیند.

قرآن چهار واژه ابتلاء، فتنه، امتحان و تمحیص را در معنای آزمایش به کار برده است. مفهوم «بلا» در لغت به دو معنای حقیقی امتحان یا آزمایش و فرسودگی یا کهنه شدن به کار می‌رود. این ماده سی و شش بار در قرآن مجید به کار رفته است که در یک

قانونمندی تاریخ از اصولی است که با مطالعه اولیه قرآن مجید به روشنی ثابت می‌شود؛ زیرا این کتاب آسمانی در موارد متعدد اموری را به عنوان سنت‌های الهی در جامعه و تاریخ مطرح می‌کند و صراحتاً از آنها با عنوان سنت یاد می‌فرماید.^(۱) قرآن مجید از این دسته از قوانین با تعبیر «سنت الله» یاد کرده و آنها را تغییرناپذیر و غیرقابل استثنا معرفی کرده است: ﴿فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَخْوِيلًا﴾ (فاطر: ۴۳)؛ هرگز برای سنت خدا تبدیلی نخواهی یافت و هرگز برای سنت الهی تغییری نمی‌یابی.

لفظ «سنت» در لغت، معادل «سیره» است.^(۲) سنت یعنی روش و شیوه واحدی که همواره جریان دارد. «سنت الهی» قوانینی است که نظام جهان بر اساس آن اداره می‌شود یا روش‌هایی است که خدای متعال امور عالم و آدم را بر پایه آنها تدبیر و اداره می‌کند.^(۳)

قرآن، سنن الهی را گاه به خداوند و گاه به انسان‌ها نسبت می‌دهد؛ مانند: «سنة الله»^(۴) و «سنة الاولین»^(۵) (سنت پیشینیان)، «سنة من قد اوسلنا قبلك من رسلنا» (سنت پیامبران الهی قبل از تو) و «سنتن الذين من قبلكم» (نساء: ۲۶) (سنت‌های گذشتگان). و این بدین دلیل است که یک سنت واحد می‌تواند به جهت نسبتش با فاعل، به خدای متعال اضافه شود و از لحاظ نسبتش به قایل، به انسان‌ها اضافه گردد.

در قرآن مجید سنت‌های الهی زیادی مطرح گردیده که برخی از آنها مربوط به زندگی اخروی و

تاریخ و حکمت الهی حاکی از این است که این سنّت‌ها با یکدیگر هماهنگ بوده و مناسبات حساب شده‌ای دارند؛ یعنی در زمان و مکان خاص و بعد از تحقق مقدماتشان جریان می‌یابند. مقصود از منظومه هستی در این مقاله، نظم موجود در روابط بین سنن الهی در جامعه و تاریخ است. در این مقاله، سنّت الهی در این منظومه هستی را بررسی می‌کنیم.

شایان ذکر است پیش‌تر در دو کتاب سنّت‌های اجتماعی الهی در قرآن تألیف احمد مرادخانی و سنّت‌های اجتماعی در قرآن کریم اثر احمد حامد مقدّم، بحث ارتباط بین سنن الهی حاکم بر جامعه و تاریخ به صورت مختصر مورد توجه قرار گرفته است که نقد و بررسی آنان مجال وسیع‌تری می‌طلبد.

حکمت وضع سنّت آزمایش در جهان

قرآن مجید برای سنّت آزمایش اهدافی بیان می‌کند که برخی از آنها عبارتند از: آشکار شدن باطن انسان‌ها،^(۱۴) بازگشت به سوی خدا،^(۱۵) آشکار نمودن برترین انسان‌ها،^(۱۶) سنجش شکر افراد نسبت به نعمت‌های الهی،^(۱۷) معین کردن خائفان از خدا،^(۱۸) مشخص شدن مجاهدان و صابران.^(۱۹)

کارکردها و اهداف این سنّت، نشانگر این حقیقت است که آزمایش جایگاه ویژه‌ای در نظام خلقت دارد. سنّت آزمایش در منظومه قوانین حاکم بر جهان، نقش امتحان در نظام آموزشی را ایفا می‌کند. از این‌رو، در برخی از آیات قرآن مجید، سنّت آزمایش به عنوان هدف خلقت مطرح گردیده است: ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَاشِرُهُ عَلَى السَّمَاءِ يُبَلِّغُكُمْ إِلَيْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ (مرد: ۷)؛

مورد به معنای آشکار شدن^(۷) و در مورد دیگر به معنای انتقال و تحوّل از گونه‌ای به گونه دیگر و از حالی به حال دیگر^(۸) به کار رفته، که هر دو معنا را می‌توان از لوازم آزمایش به شمار آورد، ولی در سایر موارد به معنای آزمایش استعمال شده است.

برای واژه «فتنه» یازده معنا ثبت شده است که عبارتند از: اختلاف مردم در عقاید و آرا و آنچه که موجب جنگ می‌شود، آزمایش، گرفتاری، عبرت گرفتن، سختی، عذاب، بیماری، دیوانگی، کفر و گم‌راهی، رسوایی، مال و فرزندان.^(۹)

واژه «فتنه» با مفاهیم متعددی در لغت و قرآن به کار رفته است، ولی به دلیل آنکه در بسیاری از موارد، معانی متعددی یک لغت، مشتقات یک اصل و ماده واحد معنایی هستند، برخی از لغویان، آزمایش و امتحان را معنای اصلی آن دانسته‌اند.^(۱۰) و سایر معانی، مجازی به شمار می‌آیند.^(۱۱)

واژه «امتحان» در لغت به دو معنای آزمایش کردن و خالص کردن آمده است.^(۱۲) این ماده دو بار در قرآن کریم ذکر شده است؛ یک بار با صیغه «امتحان» و بار دیگر با صیغه «امتحونن»، که در یک مورد به معنای آزمایش کردن و در مورد دیگر به معنای خالص کردن یا عادت دادن یا مهذب کردن است. معنای دوم از لوازم امتحان مؤمنان است.

ماده «تمحصص» تنها دو بار در قرآن مجید آمده است و هر دو بار به معنای آزمایش و امتحان و با صیغه «لیمحصص» ذکر شده است.^(۱۳)

با مراجعه به قرآن مجید معلوم می‌شود یک دسته از سنّت‌های الهی بر ساحت حیات انسانی حاکم است که جنبه اجتماعی دارد. نظم حاکم بر حرکت

اوست که آسمان و زمین را در شش روز خلق کرد، در حالی که مقرر فرماندهی او بر آب بود تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهترین عمل را انجام می‌دهد.

﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ (ملک: ۲۰)؛ خدایی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما بندگان را بیازماید که کدام نیکوکارتر (و خلوص عملش بیشتر) است.

طبق این آیات، هدف خلقت آسمان، زمین، مرگ و زندگی آزمودن بندگان است، به گونه‌ای که اگر آزمودن را از صفحه روزگار محو کنیم، زندگی بی‌معنا خواهد شد و خلق آسمان و زمین لغو خواهد بود. البته باید توجه داشت هدف نهایی آفرینش، همان تکامل انسان در سایه قرب الهی است؛ چرا که خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات: ۵۶) (جن و انسان خلق نشده‌اند، جز برای اینکه عبادت کنند)، ولی همواره در افعال انسانی و الهی، آنجا که به امور مادی بازمی‌گردد، نیل به هدف نهایی یا اصلی در گرو مقدماتی است و یکی از آن اهداف میانی و مقدماتی برای کمال انسان، سریان سنت آزمایش است؛ زیرا «آزمایش» در جایی مطرح می‌شود که موجود مختاری وجود داشته باشد و ابزارهایی برای سر دو راهی قرار گرفتن این موجود مختار مهیا باشد. خداوند، جهان را به زیورهای جذاب آراست و انسان مختار را خلق کرد تا از این رهگذر، زمینه آزمایش و اختیار انسان پدید آمده و بستر تکامل (یعنی قرب الهی) که هدف نهایی خلقت است فراهم گردد.

بنابراین، خلقت عالم ماده، مقدمه خلقت

زیست‌های مادی و خلقت آنها مقدمه خلقت موجود مختاری به نام انسان و خلقت انسان، مقدمه آزمایش و آزمایش، زمینه‌ساز هدف نهایی تکامل انسان است.^(۲۰)

تحول و تطور سنت آزمایش

نکته دیگری که در سنت آزمایش حایز اهمیت است، دگرگونی و تحولی است که به مرور زمان و در پرتو تکامل فکری و روحی جوامع انسانی، در نحوه آزمایش رخ می‌دهد. هر قدر استعداد جوامع انسانی در طول تاریخ افزایش یافته و ظرفیت دریافت معارف بالاتر و عمل به آنها را پیدا کرده است، خداوند متعال دین کامل‌تری به آنها اعطا فرموده و آنان را به امور سنگین‌تر و نوبنی آزموده است. علامه طباطبائی ذیل آیه شریفه چهل و هشتم سوره «مانده» به این حقیقت اشاره می‌کند، ایشان در تفسیر آیه ﴿لِكُلِّ جَعَلْنَا بَيْنَكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ﴾؛ ما برای هر کدام از شما، آیین و طریقه روشنی قرار داده‌ایم و اگر خدا می‌خواست، همه شما را امت واحدی قرار می‌داد، ولی خدا می‌خواهد شما را در آنچه به شما بخشیده بیازماید.

می‌فرمایند: مقصود از «شرعه و منهج» در این آیه، شریعت و طریق است و مقصود از «أمة واحد» نیز شریعت واحد است؛ زیرا تفاوت در آمادگی روحی و فکری مردمان موجب تعدد شرایع و لزوم آزمایش جدید می‌شود، و اگر اختلاف در زبان و رنگ و محل زندگی مقصود بود، لازمه‌اش این بود که خداوند شرایع گوناگونی را در زمان واحد، به حسب مناطق گوناگون و برای زبان‌ها و رنگ‌های متفاوت

قرار دهد، در حالی که چنین نکرد.

به دیگر سخن، رشد استعداد انسان در درک حقایق دینی موجب نزول دین کامل‌تر از گذشته گردید و مسئولیت بیشتری را برای بشر به بار آورد و زمینه تحمل تکالیف بیشتری را فراهم نمود. بدین سان با آمدن دین کامل‌تر، صحنه‌های امتحان جدیدی تحقق یافت که متناسب با رشد فکری و معرفتی جامعه بشری بود. (۲۱)

انواع آزمایش

۱. خاص و عام

مجموع آیات مربوط به سنت آزمایش نشان می‌دهد، بعضی از آزمایش‌های الهی مخصوص فرد یا گروه خاصی است، ولی برخی دیگر جنبه عمومی دارد؛ یعنی همه انسان‌ها در معرض آن قرار دارند. برای مثال، آزمایش حضرت ابراهیم علیه السلام به آتش نمرود، یا حضرت نوح علیه السلام به انکار درازمدت امتش و یا آزموده شدن قارون به سلطه برگنج‌های عالم، مصادیقی از آزمون‌های خاص و فردی به شمار می‌آیند، ولی آزموده شدن انسان‌ها به ترس، گرسنگی، کاستی مال، فرزند یا آزمایش مردم به پیامبران و ادیان، مصادیق آزمون‌های عام و همگانی به شمار می‌آیند.

شاید بتوان گفت آیاتی که آزمایش برخی از پیامبران را به طور خاص مطرح می‌کنند، ناظر به آزمایش‌های خاص هستند، ولی آیاتی که از آزموده شدن «ناس»، سخن می‌گویند، ناظر به آزمایش‌های عام هستند. مثلاً، در قرآن آمده است: «وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ» (ص: ۳۴) و یا درباره حضرت ابراهیم علیه السلام

می‌فرماید: «وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا» (طه: ۲۰) و در جای دیگر آمده است: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ» (بقره: ۱۲۴)، یا برخی آزمایش‌ها را به مؤمنان نسبت می‌دهد؛ مانند اینکه خداوند یکی از اهداف پیروز کردن مسلمانان در جنگ بدر را آزمودن مؤمنان به نعمت پیروزی می‌شمارد و می‌فرماید: «وَلِيُبَيِّنَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَّةً» (انفال: ۱۷).

ولی برخی آیات ناظر به آزمایش‌های همگانی است؛ مانند: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا آمَاكُمُ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» (انفال: ۲۸)؛ همانا اموال و فرزندانان وسیله آزمایش هستند. علاقه به مال و فرزند، مخصوص یک عده و گروه خاصی نیست، همه مردم (اعم از کافر و مسلمان) به مال و فرزند علاقه دارند.

«فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلِ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنِّي أَكْثَرُهُمْ لَا يَتْلَمَحُونَ» (زمر: ۴۹)؛ آری، آدمی چون رنج و دردی به او رسد ما را به دعا می‌خواند و باز چون [آن رنج و عذاب را برداشتیم و] نعمت و دولت به او دادیم، گوید: این نعمت [به استحقاق] نصیب من گردید؛ [چنین نیست]، بلکه آن امتحان وی است، اما بیشتر مردم آگاه نیستند؛ یعنی همه انسان‌ها در معرض آزمایش به نعمت‌ها هستند.

القائنات شیطان امر دیگری است که همه انسان‌ها در معرض آزمایش به آن قرار دارند: «لِيَجْعَلَ مَا يُثْقِي الشَّيْطَانَ فِتْنَةً لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْقَائِيَةِ قُلُوبُهُمْ...» (حج: ۵۳)؛ تا خدا به آن القائنات شیطان کسانی را که دل‌هایشان مبتلا به مرض نفاق و شک یا کفر و قساوت است، بیازماید (ویاطن آنها را پدیدار سازد).

۲. نیک و بد

آزمون‌های الهی، گاه در لباس نیکی و زیبایی است و گاه در لباس بدی و زشتی؛ یعنی متعلق آزمایش الهی گاهی یک امر مصیبت‌بار و محنت‌زاست و گاهی یک امر دل‌انگیز و گوارا. قرآن با عناوینی همچون «خیر و شر» و «حسنات و سیئات» به این حقیقت اشاره می‌کند. به آیاتی که در ذیل آمده است توجه کنید:

۱. ﴿وَتَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ﴾ (انبیاء: ۲۵)؛ شما را با خوبی‌ها و بدی‌ها می‌آزماییم و سرانجام به سوی ما بازگردانده می‌شوید.

از این آیه پیداست که گاه مورد آزمایش یک خیری است که خداوند به آدمی می‌رساند و گاه یک امر بد. برخی از مفسران اموری همچون سلامتی، توانگری مالی را مصداق خیر و اموری همچون بیماری و فقر را مصداق شر معرفی کرده‌اند. برخی از زهاد «شر» را پرغلبه‌های نفس بر انسان و «خیر» را بر عصمت از گناهان تطبیق کرده‌اند، ولی ابن عباس فقر و غنا و سختی و راحتی را مصداق شر و خیر دانسته است. از این رو، نقل شده است هنگام بیماری امیرالمؤمنین (علیه السلام)، برخی از دوستانش به عیادت آن حضرت رفتند و احوالش را پرس و جو کردند. حضرت در جوابشان فرمودند: «بشر»؛ به شر مبتلا شده‌ام و در توجیه پاسخ خود به همین آیه شریفه استناد فرمودند. (۲۲)

۲. ﴿وَتَبْلُوكُم بِالْحَسَنَاتِ وَالشَّيْئَاتِ لَعَلَّكُمْ تَرْجَعُونَ﴾ (اعراف: ۱۶۸)؛ و ما [بنی اسرائیل] را به نیکی‌ها و بدی‌ها آزمودیم تا شاید بازگردند.

مورد آزمایش در این آیه «حسنات و سیئات» است و برخی از مفسران، حسنات را به راحتی و

آسایش در زندگی و گشایش رزق تفسیر کرده و سیئات را به سختی در زندگی و مصیبت مالی و جانی تفسیر نموده‌اند. (۲۳)

۳. ﴿وَلِيْلِي الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا﴾ (انفال: ۱۷)؛ و خدا می‌خواست مؤمنان را به این وسیله امتحان خوبی کند.

این آیه شریفه پیروزی مسلمانان در جنگ بدر را یک «بلاى حسن» (آزمایش نیک) می‌خواند.

۳. آسان و دشوار

همه آزمونهاى الهی در یک سطح و مرتبه نیست، برخی نسبت به برخی دیگر آسان‌تر یا دشوارتر است. برای مثال، بنی اسرائیل نسبت به سایر اقوام به سختی‌ها و راحتی‌های بزرگی آزموده شدند. خداوند از مصائبی که فرعون به آنها روا می‌داشت، از قبیل کشتن فرزندانشان و به اسارت گرفتن زنانشان، با عنوان «بلاى عظیم» یاد می‌کند و درباره نعمت‌های ویژه‌ای که به آنها عطا فرموده، می‌فرماید: ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (بقره: ۱۲۲ و ۱۲۷)؛ نعمتی را که به شما عطا کرده‌ام، به یاد آورید و [به یاد آورید که] شما را بر جهانیان برتری بخشیده‌ام. و یا می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَزَوَّجْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (جاثی: ۱۶)؛ ما بنی اسرائیل را کتاب [آسمانی] و حکومت و نبوت بخشیدیم و از روزی‌های پاکیزه به آنها عطا کردیم و آنان را بر جهانیان [مردم عصر خویش] برتری بخشیدیم.

۲. آشکار و غیرآشکار

برخی از امتحان‌ها به دلیل فوق‌العاده بودن و یا دشواری‌شان نسبت به سایر آزمون‌های الهی، در آشکار کردن حدوث، بقا یا میزان صدق ایمان انسان‌ها تأثیر بیشتری دارند. از این رو، قرآن آنها را آزمایش «مبین» خوانده است. (۲۴)

به عنوان نمونه، قرآن مجید ماجرای ذبح حضرت اسماعیل علیه السلام توسط حضرت ابراهیم علیه السلام را یک امتحان آشکار می‌شمارد؛ (۲۵) زیرا به قدری دشوار بوده که موفقیت در آن حاکی از قوت ایمان و صداقت حضرت ابراهیم علیه السلام در دینداری است. (۲۶) در جای دیگر، معجزاتی را که برای بنی‌اسرائیل رخ داده «بلاء مبین» خوانده و می‌فرماید: ﴿وَأَتَيْنَاهُم مِّنَ الْأَيَّاتِ مَا فِيهَا بَلَاءٌ مُّبِينٌ﴾ (دخان: ۳۳)؛ و آیه‌ای [از قدرت خویش] را به آنها [بنی‌اسرائیل] داده‌ایم که آزمایش آشکاری در آن بود.

یعنی نزول نعمت‌هایی مانند من و سلوی، سایه افکندن کوه بر سر بنی‌اسرائیل در بیابان سینا و وادی تیه و شکافته شدن رود نیل و تجات یافتنشان از لشکر فرعون، نشانه‌ها و نعمت‌های بزرگی به شمار می‌آمد که بر آنان تازل گردید، ولی همان‌گونه که گفته شد، نعمت‌های بزرگ الهی نیز مانند نعمت‌های بزرگ، ابزار آزمایش‌های دشوار هستند که موفقیت در آنها از مرتبه بالای ایمان انسان حکایت می‌کند. نعمت‌های بزرگ، شکر و سپاس عملی در خوری را می‌طلبد، در حالی که در بسیاری از موارد انسان را دچار آنانیت، خودبینی و غرور می‌کند. از این رو، پیروزی در این امتحان‌ها معرفت بالا و ایمان راسخ انسان را آشکار می‌کند.

سنت‌های مرتبط با سنت آزمایش

۱. سنت‌های بسترساز سنت آزمایش
سنت آزمایش دارای ابعاد چهارگانه آزمایش‌کننده، آزمایش‌شونده، موضوع یا متعلق آزمایش و سنت‌های زمینه‌ساز آزمایش است. خداوند متعال بُعد نخست و انسان بُعد دوم را تشکیل می‌دهند و بُعد سوم (موضوع یا موارد آزمایش) می‌تواند هر امری از امور مادی و معنوی باشد که در قرآن مجید از آنها نام برده شده است، اما بُعد چهارم، یعنی سنت‌های بسترساز سریان سنت آزمایش، یکی از بحث‌های مهم فلسفه نظری تاریخ است که تحت عنوان «قوانین حاکم بر تاریخ» از آن بحث می‌شود. اکنون در پرتو آیات مبارکه قرآن، آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف. سنت تداول قدرت

یکی از سنت‌های الهی در تاریخ، سنت تداول قدرت و گردش سلطه است. براساس این، همواره روزگاری اهل حق بر اهل باطل مسلط می‌شوند و روزگار دیگر اهل باطل بر اهل حق؛ هیچ‌گاه هر یک از دو گروه مؤمن یا کافر بر دیگری سیطره مستمر نمی‌یابد. قرآن مجید یکی از رازهای این سنت را آزمودن مردم به یکدیگر می‌شمارد و می‌فرماید: ﴿إِن يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ الَّذِي آتَى الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذُ مِنكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ وَلِيُمَحِّضَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَسَخَقَ الْكَافِرِينَ﴾ (آل‌عمران: ۱۴۰-۱۴۱)؛ اگر به شما آسیبی رسیده آن قوم را آسیبی مثل آن رسیده، این پیروزی‌ها او دولت‌ها و حکومت‌ها را در میان مردم می‌گردانیم تا خدای

آنها را بیازماییم که کدامشان بهتر عمل می‌کنند. تعبیر «ما علی الارض» استعاره است از همه نعمت‌ها و جلوه‌هایی که خداوند در دنیا قرار داده و آنها را محبوب دل انسان‌ها قرار داده است. از این رو، مفسران اموری همچون مال، فرزند، مقام و زیورآلات را که نفس انسان بدان تعلق پیدا می‌کند، مصداق زینت زمین شمرده‌اند.

نکته دیگر اینکه شاید در نظر بدوی چنین پنداشته شود که ضمیر «لها» به «الأرض» برمی‌گردد نه به انسان‌ها، در نتیجه نباید گفت: خداوند آنچه را که روی زمین است برای اهل زمین زینت داده، بلکه برای خود زمین زینت قرار داده است، ولی با دقت معلوم می‌شود که اساساً زیبایی و زیور بودن فقط برای انسان‌ها که قوه احساس و درک زشتی و زیبایی را دارند، معنا می‌یابد، وگرنه خود زمین شعوری ندارد تا زیبایی خود را درک کند. بنابراین، باید گفت: گرچه ضمیر «لها» به «الأرض» باز می‌گردد، ولی به دلیل اینکه درک زینت برای جمادات بی‌معناست و از سوی دیگر در ادامه آیه شریفه، علت زینت دادن برخی اشیا بر زمین، آزمایش انسان‌ها و شناخت بهترین عمل‌کننده معرفی شده است، معلوم می‌شود ضمیر «لها» با تقدیر به «أهل الأرض» باز می‌گردد و مقصود این است که خداوند آنچه را که بر روی زمین قرار داده است، برای اهالی آن زینت داده است.

طبق این آیه، زیور و زیبایی‌های دنیا برای این است که معلوم شود چه کسی بهترین عمل را انجام می‌دهد نه بیشترین عمل را. بنابراین، سنت تزئین نعمت‌های مادی و دنیوی یکی از بسترهای سریان سنت آزمایش به شمار می‌آید. (۲۹)

متعال کسانی را که ایمان دارند معلوم نماید و از شما گواهانی بگیرد و خدای متعال ستمگران را دوست ندارد و تا خدای متعال کسانی را که ایمان آورده‌اند پاک و جدا کند و کافران را نابود سازد.

مقصود از «ایام» در آیه نخست، حکومت و سلطنت و اقتدار است و مراد از «مداوله» دست به دست گرداندن است. «تمحیص» به معنای تخلیص و خالص کردن اندک اندک مؤمنان از شائبه کفر و نفاق و فسق است. عبارت «نداولها بین الناس» حاکی از این است که این سنت تنها در میان جامعه مؤمنان سریان ندارد، بلکه در میان جامعه بشری جریان دارد.

بنابراین، طبق مفاد آیه، سنت تداول قدرت، زمینه‌ساز سنت امتحان مؤمنان است؛ امتحانی که موجب ظهور ایمان آنان و جداسازی‌شان از کفار و خلوصشان می‌شود. (۲۷)

ب. سنت تزئین نعمت‌های دنیوی

خداوند انسان را با دو گرایش متضاد آفریده و در کنار گرایش به امور معنوی که موجب کمال حقیقی انسان می‌شود، برخی نعمت‌های مادی و دنیوی (۲۸) را محجوب دل آدمی قرار داده است. همین امر زمینه‌ساز امتحان بشر است؛ زیرا در برخی موارد بین دو گرایش معنوی و مادی تعارض رخ می‌دهد، به گونه‌ای که انسان برای نیل به یک کمال معنوی باید از برخی مشتهیات مادی درگذرد. خداوند در قرآن مجید به این حقیقت اشاره کرده است: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِيَتَلَوْهُمُ أَنْهُمْ أَخْسَرُ عَمَلًا» (کهف: ۷)؛ ما آنچه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم تا

ج. سنت برانگیختن پیامبران

تکامل اختیاری انسان‌ها که هدف آزمایش الهی است زمانی مفهوم پیدا می‌کند که برای تکامل برنامه معین و مشخصی وجود داشته باشد. این برنامه همان چیزی است که انبیای الهی و رسولان آسمانی برای مردم می‌آورند و مردم به اطاعت یا عصیان از آن دستورات آزموده می‌شوند. بنابراین، ارسال رُسُل یکی از سنت‌های بسترساز سنت آزمایش است. از این رو، در قرآن مجید سنت آزمایش در کنار سنت ارسال رسل مطرح گردیده است: ﴿وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ﴾ (دخان: ۱۷)؛ ما پیش از اینها قوم فرعون را آزمودیم و رسول بزرگواری به سراغشان آمد.

این آیه نشان می‌دهد پس از آمدن حضرت موسی علیه السلام قوم فرعون به آن حضرت آزمایش شدند. آنان که به آن حضرت ایمان آورده و از او اطاعت نمودند در این آزمون موفق گردیدند، ولی کسانی که از دستورات آن حضرت سرپا زدند در این امتحان مردود شدند. بنابراین، سیاق آیه مزبور نشانگر این است که آزمایش الهی پس از ابلاغ دعوت پیامبران صورت می‌گیرد؛ یعنی اقبال و ادبار مردم به دعوت پیامبران، وسیله آزمایش الهی است. (۳۰)

د. سنت اختلاف و نزاع

خداوند در آیات متعددی از قرآن کریم از نزاع بین حق و باطل سخن به میان آورده است. وقتی این آیات با تدبیر مورد مطالعه قرار گیرد نشانگر آن است که یکی از سنت‌های الهی در تاریخ، نزاع مستمر میان حق و باطل به شمار می‌آید؛ زیرا بدون وجود حق و

باطل زمینه تکامل اختیاری انسان که هدف آن قرب الهی است محقق نخواهد شد و تا زمانی که حق و باطل هست نزاع میان آن دو نیز وجود دارد؛ چراکه حق و باطل در ذات خود نافی یکدیگر هستند، بنابراین، نزاع مستمری بین اهل حق و اهل باطل در تاریخ وجود داشته و خواهد داشت. و نزاع میان آن دو گروه بسترساز سنت آزمایش است؛ زیرا در ظرف این نزاع و درگیری دو هدف سنت آزمایش یعنی تمیز اهل حق و اهل باطل و خالص شدن ایمان مؤمنان از شائبه تردید و نفاق و شرک خفی محقق می‌شود.

در بستر اختلاف میان اهل حق و اهل باطل، دل‌های متمایل به حق زودتر حق را پیدا می‌کنند و دل‌های بیمار به سوی باطل گرایش پیدا می‌کنند و بدین وسیله مردم آزموده می‌شوند و ماهیت درونی افراد آشکار می‌شود. علاوه بر این، کسانی که از برخی مراتب ایمان برخوردار بوده، ولی میل به باطل نیز در دل‌هایشان زنده است در برخورد با مسائل اختلافی (مسائلی که در آنها حق و باطل به طور شفاف از هم جدا نشده‌اند) دچار تضاد درونی می‌شوند؛ از یک سو، ایمان به حق آنها را به حمایت از حق می‌خواند و از سوی دیگر، میل به باطل آنان را به طرفداری از باطل دعوت می‌کند. اینان اگر با خود مجاهده نمایند و ناخالصی‌های خود را برطرف کنند ایمانشان خالص می‌شود و بدین وسیله، یکی دیگر از اهداف آزمایش که همان خالص کردن ایمان‌هاست محقق می‌شود. بنابراین، در اثر اختلافات، دو هدف سنت آزمایش، یعنی تمیز اهل حق از اهل باطل و تمحیص یا تخلیص ایمان مؤمنان تحقق می‌یابد. قرآن مجید در این مورد چنین می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ صَدَقَكُم

سریان این سنت، برخورداران به انجام وظایف ناشی از برخورداری آزموده و محرومان به صبر، بردباری، عدم فراموشی شکر و سپاس‌گزاری، امتحان می‌شوند. خداوند متعال به این سنت تصریح کرده و حکمت وضع آن را آزمایش انسان‌ها شمرده است: ﴿وَوَفَّقَ بَعْضُكُم فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيُبْلُوَكُم فِي مَا آتَاكُم﴾ (انعام: ۱۶۵)؛ درجات بعضی از شما را بالاتر از بعضی دیگر قرار داد، تا شما را به وسیله آنچه در اختیارتان قرار داده بیازماید.

گفتنی است مقصود از ترفیع درجات، ترفیع در قدرت و مال، استعدادهای روحی، جسمی و فکری، بزرگی و کوچکی سن، قوت و ضعف، جنسیت (مرد یا زن بودن)، فقر و غنا، ریاست و مرئوسیت، علم و جهل و امثال این امور است.^(۳۲)

۲. سایر سنت‌های مرتبط با سنت آزمایش می‌دانیم قوانین و سنن الهی حاکم بر تاریخ، در یک دستگاه منظم و در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند؛ زیرا از یک فاعل حکیم و قادر مطلق سرچشمه می‌گیرند. البته این امکان وجود دارد که یک سنت تحت حاکمیت سنت دیگری قرار گیرد و تا زمانی که شروط لازم برای یک سنت حاکم برقرار است سنت محکوم سریان پیدا نکند، ولی این معرف نوعی هماهنگی و ارتباط منظم است، نه بی‌نظمی و ناسازگاری؛ زیرا با حاکمیت یافتن یک سنت و تعطیل سنت دیگر در ظرف فعلیت سنت حاکم، زمینه تعارض و درگیری دو سنت در نظام هستی از بین می‌رود. اکنون در حد گنجایش این مقاله برخی از سنن مرتبط با سنت آزمایش را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اللَّهُ وَغَدَهُ إِذْ تَحْسُونَهُمْ بِأَذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأُمْرِ وَعَصَيْتُمْ مَن يَبْدِي مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مِنْ يُرِيدُ الذُّنُوبَ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ...﴾ (آل عمران: ۱۵۲)؛ خداوند، وعده خود را به شما [در باره پیروزی بر دشمن در احد] تحقق بخشید، در آن هنگام [که در آغاز جنگ] دشمنان را به فرمان او به قتل می‌رساندید [و این پیروزی ادامه داشت] تا اینکه سست شدید و بر [سررها کردن سنگرها] در کار خود به نزاع پرداختید و پس از آنکه آنچه را دوست می‌داشتید [از غلبه بر دشمن] به شما نشان داد، نافرمانی کردید. بعضی از شما، خواهان دنیا بودند و بعضی خواهان آخرت. سپس خداوند شما را از آنان منصرف ساخت [و پیروزی شما به شکست انجامید] تا شما را آزمایش کند.

علامه طباطبائی نزاع و اختلاف مذکور در آیه مزبور را موجب امتحان مسلمانان در جنگ احد دانسته و می‌فرماید: «خلاصه اینکه بعد از تحقق اختلاف میان شما، خدا شما را امتحان کرده و ایمان و صبرتان را در راه خدا می‌آزماید؛ زیرا اختلاف در دل‌ها، قوی‌ترین عامل مقتضی گسترش آزمایش است، تا بدین وسیله مؤمن از منافق و مؤمن پای‌بند به ایمان و ثابت‌قدم و دارای عزم راسخ، از انسان ملوّن سریع‌الزوال بازشناسی شود.»^(۳۱)

ه. سنت وجود تفاوت‌ها

تفاوت سطح و رتبه مردم در برخورداری از تنعمات، از حقایقی است که خداوند آن را به خود نسبت می‌دهد. تداوم این روند در اجتماع انسانی نشان می‌دهد که این امر یک سنت مستمر الهی است. با

الف. سنت امهال

یکی از سنن الهی سنت امهال است. بر اساس این سنت، خداوند متعال انسان‌ها را بلافاصله پس از کفرشان مجازات نمی‌کند، بلکه به آنها مهلت می‌دهد و مورد آزمایش‌های مکرر قرار می‌دهد تا شاید همه یا برخی از آنها از کفرشان بازگردند. بنابراین، تأخیر عذاب کافران، گاه خود یکی از مصادیق آزمایش آنهاست. چنانچه قرآن مجید در این مورد به پیامبر اکرم ﷺ فرمان می‌دهد که بگو: ﴿وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّهٗ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ﴾ (انبیاء: ۱۱۱)؛ و نمی‌دانم شاید [این تأخیر عذاب] شما برای شما امتحانی باشد و تمتعی در دنیا، تا هنگام مرگ فرا رسد.

و یا در آیه شریفه دیگر می‌فرماید: ﴿وَلَوْ يُوَاسِئُكَ اللَّهُ النَّاسُ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا﴾ (فاطر: ۲۵) (۳۳)

ب. سنت مکر و استدراج

سنت آزمایش خود بستر ساز سنت مکر و استدراج است؛ یعنی خداوند متعال پس از اینکه انسان‌ها و امت‌ها را به پیروی از دین و رسولان خود آزمود، آن دسته‌ای را که ره عصیان پیموده و از در مکر و دشمنی با خداوند در آمده‌اند، مورد مکر خویش قرار می‌دهد و بر دل‌هایشان مهر می‌نهد، به گونه‌ای که راه بازگشت بر آنها دشوار می‌شود. در اینجا است که سنت استدراج (۳۴) جریان می‌یابد؛ یعنی خداوند زمینه طغیان و عصیان‌شان را بیشتر فراهم می‌کند تا عذاب بیشتری نصیبشان گردد. در سوره «اعراف» به این حقیقت چنین اشاره می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالنَّبَاتِ وَالضَّرَائِعِ لَعَلَّهُمْ

يَضُرُّعُونَ. ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ أَوْ أَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يُلْعَبُونَ أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ أَوَلَمْ تَعْلَمِ لِلَّذِينَ يَرْتُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَيَّ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقِصُ عَلَيْكَ مِنْ نَبَاتِهَا وَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ﴾ (اعراف: ۹۴-۱۰۱)؛ و در هیچ قریه‌ای پیغمبری نفرستادیم مگر مردم آن قریه را به سختی و بیماری دچار کردیم، شاید زاری کنند. آن‌گاه به جای بدی، خوبی آوردیم تا فزونی گرفتند و گفتند: بیماری و سختی به پدران ما نیز می‌رسید. پس ناگهان در آن حال که بی‌خبر بودند، ایشان را بگرفتیم. اگر مردم قریه‌ها ایمان آورده و پرهیزکاری کرده بودند برکت‌هایی از آسمان و زمین به روی ایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند و ما نیز ایشان را به اعمالی که می‌کردند مؤاخذه کردیم. مگر از مکر و تدبیر خدا ایمن شده‌اند که چیز گروه زیانکاران از تدبیر خدا ایمن نمی‌شوند. مگر برای کسانی که این سرزمین را پس از هلاکت مردمش به میراث برده‌اند روشن نشده که اگر بخواهیم سزای گناهشان را به ایشان می‌رسانیم و بر دل‌هایشان مهر می‌نهم تا نتوانند بشنوند. این قریه‌هایی که ما از خبرهای آن بر تو می‌خوانیم پیغمبران‌شان با حجت‌ها به سویشان آمدند و به آن چیزها که قبلاً به تکذیب آن پرداخته بودند ایمان نمی‌آوردند. اینچنین بر دل‌های کفار خداوند مهر می‌نهد.

آیات مزبور به دنبال بیان سرگذشت امت‌های پیشین و انکار پیامبران و معجزات الهی و نزول عذاب بر آنان آمده است^(۳۵) و درصدد بیان علل و فرآیند انقراضشان است. خودداری از ایمان، بی‌توجهی به بینات و معجزات پیامبران، تکذیب آنها و سرانجام بی‌تقوایی و عصیانگری و خروج از بندگی خدا مهم‌ترین عوامل انقراضشان شمرده است و همین امر موجب گردید تا سنت الهی مکر و استدراج، یکی پس از دیگری در موردشان سرریز یافته و به نابودی‌شان بینجامد. علامه طباطبائی در اینجا چنین می‌فرماید:

آری، خدای سبحان هر پیغمبری را که به سوی امتی از آن امت‌ها می‌فرستاد به دنبال او آن امت را با ابتلای به ناملایمات و محنت‌ها آزمایش می‌کرد، تا به سویش راه یافته و به درگاهش تضرع کنند و وقتی معلوم می‌شد که این مردم به این وسیله که خود یکی از سنت‌های نام‌برده بالاست، متنبه نمی‌شوند سنت دیگری را به جای آن سنت به نام «سنت مکر» جاری می‌ساخت و آن این بود که دل‌های آنان را به وسیله فساوت و اعراض از حق و علاقه‌مند شدن به شهوات مادی و شیفتگی در برابر زیبایی‌های دنیوی مهر می‌نهاد.

بعد از اجرای این سنت، سنت سوم خود، یعنی «استدراج» را جاری می‌نمود و آن این بود که انواع گرفتاری‌ها و ناراحتی‌های آنان را برطرف ساخته، زندگی‌شان را از هر جهت مرفه می‌نمود و بدین وسیله روز به روز، بلکه ساعت به ساعت به عذاب خود نزدیک‌ترشان می‌کرد، تا وقتی که همه‌شان را به طور ناگهانی و بدون اینکه احتمالش را هم بدهند به دیار نیستی می‌فرستاد، در حالی که

در مهد امن و سلامت آرمیده و به علمی که داشتند و وسایل دفاعی‌ای که در اختیارشان بود مغرور گشته و از اینکه پیشامدی کار آنها را به هلاکت و زوال بکشاند غافل و خاطر جمع بودند.^(۳۶)

علامه طباطبائی در عبارات فوق دو سنت مکر و استدراج را از هم تفکیک نموده‌اند، ولی از برخی آیات چنین استشمام می‌شود که سنت‌های مکر و استدراج و املاء در حقیقت یک چیز است، ولی با عناوین مختلفی از آنها در قرآن یاد شده است. به آیه ذیل بنگرید: ﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُونَ وَأُولَئِكَ لَهُمْ إِنْ كَانِمْ إِيَّاكُمْ مِنَ الْإِنْسَانِ عَرَفْتُمْ﴾ (اعراف: ۱۸۲-۱۸۳)؛ کسانی که نشانه‌های ما را تکذیب می‌کنند از جایی که ندانند آهسته آهسته آنها را می‌گیریم و به آنها مهلت می‌دهیم، همانا کید من استوار است.

از ظاهر دو آیه فوق برمی‌آید استدراج و املاء و کید (مکر) سه مفهومی هستند که یک مصداق دارند و آن عبارت است از گرفتار شدن پنهانی انسان تکذیب‌کننده نشانه‌های الهی است.

ج. سنت تقدیر معیشت

ظرفیت همه انسان‌ها در تلقی مواهب الهی یکسان نیست؛ بسیاری از انسان‌ها وقتی اندوخته‌های مادی و دنیوی‌شان افزایش یافت، کم‌کم آن را از ناحیه خود می‌بینند و از بندگی خدا دست می‌شویند و به عصیانگری روی می‌آورند. به حلال خدا اکتفا نکرده، به حرام روی می‌آورند و فساد می‌کنند. همان‌گونه که در قرآن آمده است: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ﴾ (علق: ۷)؛ همانا انسان طغیان می‌کند از اینکه خود را بی‌نیاز ببیند. از این رو، خداوند متعال بر اساس حکمت و رحمت و واسعة خویش سنت

عادی زمینه عصیانگری کاهش می‌یابد و در نتیجه، بستر آزمایش کمتر فراهم خواهد شد.

به آیه شریفه زیر توجه کنید:

﴿فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً يَتَى قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَمَّا يَعْلَمُونَ﴾ (زمر: ۲۹)؛ آری، آدمی چون رنج [و دردی] به او رسد ما را به دعا می‌خواند و باز چون [آن رنج و عذاب را برداشتیم و] نعمت به او دادیم، گوید: این نعمت [به استحقاق] نصیب من گردید. [چنین نیست] بلکه آن امتحان وی است، اما بیشتر مردم آگاه نیستند.

نعمت در آیه مزبور مطلق است و شامل مواهب مادی نیز می‌شود؛ یعنی خداوند برای آزمودن انسان گاه نعمتی را که درخواست می‌کند عطا می‌فرماید، در حالی که می‌داند وی این نعمت را محصول لیاقت خود می‌بیند، نه فضل الهی؛ یعنی با اینکه موجب مرتبه‌ای از طغیان می‌شود، ولی باز خداوند نعمت را به او عطا می‌کند؛ چراکه می‌خواهد انسان را بیازماید. از این رو، آیه می‌فرماید: ﴿بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ﴾

بنابراین، آزمایش در ظرفی که کشش بیش از حد ظرفیت معمول، انسان را به سرپیچی از دستور الهی دعوت می‌کند رخ می‌دهد. از این رو، خداوند متعال از بندگانش خواسته در ظرف آزمایش که جذبه غیرطبیعی آنها را به طغیان دعوت می‌کند، صبر کنند و بایاد بازگشت به سوی خدا خود را تسکین دهند. قرآن در این ارتباط می‌فرماید: ﴿وَلَتَبْلُؤَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالسَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره: ۱۵۵)؛ و البته شما را به اموری همچون ترس و گرسنگی و کاهشی در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و به شکیبایان مژده بده. این آیه تصریح دارد که خداوند، انسان‌ها را به

تقدیر معیشت را برای بندگان قرار داده است. بر اساس این سنت به انسان‌ها به اندازه ظرفیتشان رزق می‌دهد. قرآن مجید درباره این سنت الهی چنین می‌فرماید: ﴿وَلَوْ يَسْطُرُ اللَّهُ الرِّزْقَ لِيَبَادِهِ لَبَقُوا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدْرِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ﴾ (شوری: ۲۷)؛ هرگاه خداوند رزق را بر بندگانش وسعت بخشد، در زمین طغیان و ستم می‌کنند. از این رو، به مقداری که می‌خواهد و مصلحت می‌داند نازل می‌کند. همانا او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست.

طبق مفاد ذیل این آیه شریفه، خداوند متعال به هرکس به مقدار معین روزی می‌دهد؛ چراکه او به حال بندگان خود آگاه و بصیر است و می‌داند هر یک از بندگانش ظرفیت و استحقاق چه حدی از رزق را دارند و چه مقدار از تمکن برایشان مفید است و همان را به آنها می‌دهد. (۳۷)

اما این سؤال مطرح می‌شود اگر این چنین است پس آیات دال بر آزموده شدن بندگان به مواهب مادی مانند: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ﴾ (انفال: ۲۸) چگونه توجیه می‌شود؟ به عبارت دیگر، سنت تقدیر معیشت چگونه با سنت آزمایش به فقر و غنا جمع می‌شود؟ زیرا در سنت تقدیر معیشت، فرض این است که خداوند به انسان‌ها به اندازه ظرفیتشان روزی می‌دهد تا طغیان نکنند، ولی در سنت آزمایش به امور مادی، فرض این است که خداوند برای آزمودن انسان‌ها، آنان را بیشتر از اندازه ظرفیتشان به اموری همچون فقر یا غنا می‌آزماید؛ (۳۸) زیرا آزمایش در صورتی تحقق می‌یابد که کشش خاصی انسان را به سوی عصیان بکشد و این امر در حالتی که رزق انسان بیش از ظرفیت معمولش کاهش یا افزایش می‌یابد رخ خواهد داد، وگرنه در حالت

نتیجه‌گیری

از این مقاله نکات ذیل به دست می‌آید:

۱. سنت آزمایش از اهداف میانی خلقت جهان به شمار می‌آید که زمینه‌ساز نیل انسان به کمال نهایی است.
۲. با گذر ایام و رشد ظرفیت بشر در تلقی معارف الهی، ادیان کامل‌تری نازل گردید و آستانه‌های جدیدی برای آزمایش بشر ایجاد شد و بدین‌سان سنت مذکور از حیث مورد و گستره آزمایش تطوّر یافت.
۳. آزمایش انواع گوناگونی دارد؛ گاه مخصوص برخی افراد و گاه برای همه افراد است، گاه در لباس امور ملایم با طبع اولی انسان و گاه جامه غیر ملایم با طبع بر تن دارد، برخی آزمایش‌ها سبک و برخی سنگین است و سرانجام برخی آزمایش‌ها در آشکار کردن باطن انسان مؤثرتر و برخی دیگر اثر کمتری دارند.
۴. در مجموع، نه سنت الهی با سنت آزمایش ارتباط دارند که در این میان پنج سنت زمینه سریان سنت آزمایش را فراهم می‌کنند و چهار سنت ارتباط ویژه دیگری با سنت آزمایش دارند.
۵. سنت‌های پنج‌گانه بستر ساز آزمایش عبارتند از: تداول قدرت، سنت تزیین نعمت‌های دنیوی، برانگیختن پیامبران، اختلاف و نزاع و وجود تفاوت‌ها.
۶. رابطه چهار سنت دیگر با سنت آزمایش بدین صورت است:
 - الف) سنت اسهال نیز یکی از مصادیق سنت آزمایش است.
 - ب) دو سنت مکر و استدرّاج نیز از توابع و پیامدهای عدم موفقیت در آزمایش الهی به شمار می‌آیند.
 - ج) سنت تقدیر معیشت نیز محکوم سنت ابتلا بوده و در زمان عدم سریان سنت آزمایش جریان می‌یابد.

کاهش در اموال مبتلا می‌کند تا صبرشان را بیازماید. به نظر می‌رسد تعارض بدوی بین سنت تقدیر معیشت و آزمایش بدین صورت رفع می‌شود که سنت تقدیر معیشت را محکوم سنت آزمایش بدانیم؛ یعنی در حال عادی خداوند به بندگان به اندازه ظرفیتشان رزق ارزانی می‌کند، ولی هنگامی که نوبت آزمایش آنها به اموال می‌رسد، مصلحت اهم ناشی از سریان سنت آزمایش موجب می‌شود که خداوند از مواهب مادی بندگان، کاسته یا بر آن بیفزاید تا آنان را بیازماید.

بنابراین، به نظر می‌رسد سنت تقدیر معیشت تعادل بنده را در عبادت پروردگار حفظ می‌کند و در حقیقت، مایه سهولت اطاعت برای بنده می‌شود، ولی موجب ارتقای دفعی و تکامل و خیزش بندگان نمی‌شود. برای تکامل دفعی بندگان باید از دالان سنت آزمایش‌های خاص بگذرند و با تحمل سختی آزمایش‌های خاص به درجات بالاتر قرب الهی دست یابند. از این رو، سنت تقدیر معیشت در جایی که پای سنت آزمایش به میان می‌آید، تحت حاکمیت سنت آزمایش قرار می‌گیرد؛ یعنی خداوند برای آزمایش بندگان، گاه رزق دنیوی آنان را بیشتر یا کمتر از حد ظرفیتشان قرار می‌دهد تا بدین وسیله آنان را بیازماید. از این رو، گاه روزی‌شان (اعم از مال، فرزند و مقام را) زیاد می‌کند تا میزان غفلت یا سپاس آنها را نسبت به دستورات الهی بسنجد و یا رزقشان را کاهش می‌دهد تا میزان صبر و رضایشان را بیازماید. بنابراین، سنت آزمایش و امتحان الهی بر سنت تقدیر معیشت حکومت دارد و خداوند گاه برای امتحان‌های خاص از سنت تقدیر رزق، فراخور حال مردم دست شسته و روزی بندگان را کم یا زیاد می‌کند.

- ۸۷- «احتبار» است. (ر.ک. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۰۰)
- ۱۲- ر.ک. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۴۰۰.
- ۱۳- مقایس اللغة، ریشه اصلی «تمحیص» را «تخلیص» و «خالص کردن» می‌داند. از این رو، «محصه محصا» را به «خالصه من کل عیب» (آن را از هر عیبی خالص کرد) ترجمه می‌کند و یا در ترجمه «محص الله العبد من الذنب» می‌نویسد: «طهره منه و نقاه»؛ یعنی او را از گناه ظاهر و پاک کرد. و یا «محصت الذهب بالنار» را به «حلصه من الشوب» (شوائب را از آن زدود) ترجمه می‌کند. (احمدبن فارس، معجم مقایس اللغة، ج ۵، ص ۳۰۰)
- صاحح اللغة معنای مزبور را درباره «محص» تأیید می‌کند، ولی «محص» را در باب تفعلیل به معنای آزمایش می‌داند. از این رو، می‌نویسد: «التمحیص: الابتلاء و الاختبار» (اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، ج ۳، ص ۱۰۵۶).
- ۱۴- ر.ک. آل عمران: ۱۵۴.
- ۱۵- ر.ک. اعراف: ۱۶۸.
- ۱۶- ر.ک. هود: ۷.
- ۱۷- ر.ک. نمل: ۴۰.
- ۱۸- ر.ک. مائده: ۹۴ و ۹۵.
- ۱۹- ر.ک. محمد: ۳۱.
- ۲۰- ر.ک. محمدتقی مصباح، معارف قرآن، ص ۲۵۳-۲۶۵، بحث «هدف آفرینش در قرآن».
- ۲۱- سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۵، ص ۳۵۳.
- ۲۲- ر.ک. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۸۷، ص ۶۵.
- ۲۳- همان، ج ۳-۴، ص ۶۱۲.
- ۲۴- البته این بدین معنا نیست که سایر آزمایش‌های الهی که موصوف به این وصف نشده‌اند، هیچ‌یک از این ویژگی برخوردار نیستند، بلکه قدر متیقن این است که آزمایش‌هایی که خداوند خود آنها را با وصف «مبین» معرفی نموده است، از این ویژگی برخوردار هستند.
- ۲۵- ﴿قَدْ صَدَقْتَ الرَّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ﴾ (صافات: ۱۰۵ و ۱۰۶)
- ۲۶- برخی میبین بودن این آزمایش را به شدت و دشواری آن دانسته‌اند. (ر.ک. سید محمدحسین فضل‌الله، تفسیر من وحی القرآن، ج ۱۹، ص ۲۰۷) و برخی دیگر در تفسیر مبین بودن ذیح اسماعیل گفته‌اند: تصمیم به قربانی کردن خود، فرزند یا اهل

پی‌نوشت‌ها

- ۱- مانند: ﴿قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾ (آل عمران: ۱۳۷)
- ۲- ر.ک. معجم مقایس اللغة، مصباح‌المستیر، المنجد. برخی از محققان علم لغت در این مورد می‌نویسند: «أن الأصل الواحد فی هذه المادّة، جریان أمر منضبط.» (حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۲۳۷)
- ۳- ر.ک. محمدتقی مصباح، جامعه و تاریخ در قرآن، ص ۴۲۵.
- ۴- احزاب: ۶۰ و ۶۲.
- ۵- فاطر: ۴۳.
- ۶- محمدتقی مصباح، جامعه و تاریخ در قرآن، ص ۴۲۷.
- ۷- ﴿یوم تیلی السرائر﴾ (طارق: ۹).
- ۸- ﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نَطْفَةٍ أَشْجَأِ نَبْتِيهِ﴾ (انسان: ۲)
- ۹- ر.ک. لوئیس معلوف، المنجد، ماده «فتن».
- ۱۰- صاحب مقایس اللغة، ریشه و اصل «فتن» را اختبار و آزمایش می‌داند و «فتنت الذهب بالنار» را به معنای «امتحن الذهب بالنار» می‌گیرد؛ یعنی همان‌گونه که ناخالصی‌های طلا با آتش آزمایش می‌شود و طلای قلبی از اصلی معین می‌گردد، ناخالصی‌های انسان هم با آزمایش به دست می‌آید. (احمدبن فارس، مقایس اللغة، ج ۴، ص ۴۷۲) ولی مؤلف التحقیق پس از طرح اقوال مزبور، دو اصل اختلال و اضطراب را از مقومات اصلی مفهوم «فتنه» دانسته و می‌نویسد: «أن الأصل الواحد فی المادّة هو ما یوجب اختلالاً مع اضطراب. فما أوجب هذین الأمرین فهو فتنه.» و سپس اموری مانند اموال، اولاد، اختلاف‌نظر، غلظت، عذاب، جنون و آزمایش را که موجب برهم خوردن نظم و آرامش درونی انسان می‌شود، مصداق فتنه معرفی می‌کند. (ر.ک. حسن مصطفوی، التحقیق، ج ۹، ص ۲۳)
- در نظر بدوی با توجه به کاربردهای واژه «فتنه»، نظر التحقیق قابل پذیرش است؛ چراکه از جامعیت بیشتر برخوردار بوده و تقریباً همه موارد استعمال واژه مزبور را دربر می‌گیرد و ما را از فرض کردن معانی مجازی و حمل بر آنها مصون می‌دارد، ولی همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، تعیین یک معنای حقیقی برای یک لفظ، راه‌کار علمی خاص دارد و با استنباط عقلی قابل کشف نیست. معانی حقیقی از طریق تبادل معانی از الفاظ، بدون نیاز به قرینه به دست می‌آید، نه از طریق تحلیل عقلی معانی گوناگون و یافتن جامع مشترک معنوی.
- ۱۱- چنانچه مرحوم طبرسی می‌فرماید: مراد از «فتنه» همان «ابتلاء» و

خانه به دستور خدا، تنها راه کشف صدق ادعای ایمان انسان است. (ر.ک. محمدجواد مغنیه، تفسیر الکاشف، ج ۶، ص ۳۵۰)، ولی به نظر می‌رسد این دو قول یا یکدیگر به صورتی که در بالا گفته شد قابل جمع است.

۲۷- ر.ک. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۴، ص ۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۳۱.

۲۸- شایان ذکر است که هر نوع استفاده از امور مادی نشانه‌گرایی دنیوی نیست؛ اگر انسان از امور مادی به عنوان ابزاری برای نیل به اهداف معنوی استفاده نماید، عملش به یک عمل معنوی و اخروی مبدل می‌شود.

۲۹- ر.ک. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۳، ص ۲۳۸-۲۳۷.

۳۰- علامه طباطبائی عبارت «و جاءهم رسول کریم» را تفسیر فتنه و آزمائش مذکور در آیه شمرده‌اند. (ر.ک. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ذیل آیه مزبور).

۳۱- سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۴، ص ۲۴.

۳۲- ر.ک. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۲۲ / سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۷، ص ۳۹۶. نظیر این آیه در آیه ۳۲ سوره زخرف، به صورت «رفعتنا بعضهم فوق بعض درجات» وارد شده است.

رابطه این تفاوت‌ها با عدل الهی بحث مفصلی است که پرداختن به آن در این مجال کوتاه ما را از اصل بحث دور می‌کند، ولی خوانندگان محترم می‌توانند برای یافتن پاسخ آن، ر.ک. مرتضی مطهری، عدل الهی، / محمدتقی مصباح، جامه و تاریخ در قرآن.

۳۳- یا در آیه دیگر می‌خوانیم: «ولو یؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترک علیها من دابة ولكن یؤخرهم الی أجل مسمى فاذا جاء أجلهم لا یتأخرون ساعة ولا یتقدمون.» (نحل: ۶۱)

۳۴- سنت استدراج همان سنت زیاد کردن ضلالت گم‌راهان و امداد اهل باطل در جهت باطل است. بدین صورت که خداوند بر نعمت‌های مادی و دنیوی اهل باطل می‌افزاید تا فریفته و مغرور شوند و در راه خود پابرجا تر گردند و مستحق عذاب بیشتر و دردناک‌تری شوند. خداوند در این باره می‌فرماید: «لایحسبن الذین کفروا انما نملی لهم خیر لانفسهم انما نملی لهم لیزدادوا اثما و لهم عذاب مهین» (آل عمران: ۱۷۸)؛ آنان که به راه کفر رفتند گمان نکنند مهلتی که به آنها می‌دهیم به حال آنها بهتر خواهد بود، بلکه مهلت می‌دهیم تا بر طغیان خود بیفزایند و آنان را عذابی رسد که به آن

خوار و ذلیل شوند.

۳۵- از آیه ۵۹ تا ۹۳ سوره «اعراف» ماجرای دعوت پیامبران (از نوح تا شعیب) و انکار مردم و نزول عذاب بر آنها بیان شده است.

۳۶- ر.ک. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۸، ص ۱۹۵.

۳۷- همان، ج ۱۸، ص ۵۷، ۵۶.

۳۸- مقصود از ظرفیت در این عبارت و عبارت‌های بعدی این بخش، ظرفیت معمول و قابل تغییر است، نه ظرفیت نهایی و غیرقابل تغییر؛ زیرا به مقتضای آیه شریفه «لَا یُکَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»، خداوند با تکالیف فوق طاقت و ظرفیت نهایی، انسان‌ها را نمی‌آزماید. بنابراین، ممکن است در شرایطی و بر اساس برخی مصالح، گاه طبق ظرفیت معمول انسان‌ها با آنها برخورد کند و در برخی موارد طبق مصالح نهایی و متوقع آنان را بیازماید.

..... منابع

- ابن منظور، لسان العرب، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تحقیق احمد عبدالغفور عطّار، بیروت، دارالعلم للملایین، ط. الثالثة، ۱۳۹۹ق.
- طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان، قم، اسلامی، ۱۴۱۷.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- فارس، احمد بن، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- فضل الله، سید محمدحسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک للطباعة والنشر، ۱۴۱۹، ط. الثانیة.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷.
- مصباح، محمدتقی، جامه و تاریخ در قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ج دوم.
- ...، معارف قرآن، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۷.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار (عدل الهی)، قم، صدرا، ۱۳۷۳.
- معلوف، لویس، المنجد، بیروت، دارالمشرق، ۱۹۹۲م.
- مغنیه، محمدجواد، تفسیر الکاشف، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴.

۱۰۵۷۸